

تنها باز پرس زن ایران هستم

گفت و گوبا «مهری درویشی» که در دادسرای ویژه نوجوانان به جرایم آن ها اعم از قتل و... رسیدگی می کند
خاطرات شنیده نشده ای دار و البته عاشق خانه داری و آشپزی است



روزنامه نگار

پرونده

دادسرای عمومی و انقلاب تهران تنها یک دادسرای ویژه نوجوانان دارد که به جرایم متهمان ۱۵ تا ۱۸ ساله رسیدگی می کند. «مهری درویشی» تنها باز پرس زن در کشور است که حالا در یکی از مهم ترین شعبه ها یعنی شعبه ویژه قتل دادسرای ویژه نوجوانان فعالیت می کند. او هر روز باید با نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله که مرتکب جرم شده اند، سرو کله بزنند و حقیقت را کشف کنند. «درویشی» سال هاست که با دریافت ابلاغ از سوی رئیس قوه قضاییه در این مسئولیت مشغول به خدمت است، خاطرات زیادی دارد که می تواند برای والدین، نکات قابل تامل زیادی داشته باشد. در پرونده امروز زندگی سلام با او درباره چگونگی ورودش به این شغل، اصلی ترین چالش هایش، واکنش متهمان جوان در لحظه اول با دیدن او پشت میز قضاوت و... گفت و گو کردیم.



در زندگی سلام امروز بخوانیم:

تازه ترین یافته ها برای پیشگیری از سگته مغزی

مسیر مقابله ز نانه با دودی شدن

معاون بهداشت وزارت بهداشت گفت که مصرف دخانیات در مردان ۳ درصد و در زنان ۱ درصد افزایش یافته است؛ خانم ها چطور با وسوسه سیگاری شدن مقابله کنند؟

تاثیرات شگفت انگیز ۳۰ دقیقه ورزش روی قوای شناختی

طنز! پیمانکار بی جنبه، استعفا استعفا!

به هیچ وجه متهم را تحت فشار نمی گذارم



او درباره جدیدترین پرونده ای که داشته و هنوز رسانه ای نشده، می گوید: «یک پرونده داشتم که دختری، شوهرش را کشته بود. روز اول اصرار داشت که پسردایی شوهرم این کار را کرده است. به او گفتم من اصلا به اقرار تو کاری ندارم فقط اقرارت باعث می شود که زودتر دلایل جمع آوری شده

و پرونده ات را به دادگاه بفرستم اما وقتی انکار می کنی، زمان زیادی طول می کشد تا ابهامات پرونده رفع شود و به ماجرای اصلی برسیم. این دختر خانم در خانه حضور داشته و شوهرش با ۱۳ ضربه چاقو به قتل رسیده بود. به او گفتم، شوهرت زمانی کشته شده که در خانه بودی، گفت من خواب بودم. گفتم مگر می شود ۱۳ ضربه چاقو به یک نفر زد و هیچ صدایی از او بلند نشود؟ گفت خانم باز پرس، خواب مرگ شنیدی؟ بهش گفتم تو ۶ ماه دیگر می آبی مثل بلبل برای من اصل ماجرا را توضیح می دهی اما چقدر خوب بود و اقصیت را الان به من می گفتی. آبان یا رسال این اتفاق افتاد و فروردین بود که در یکی از شب های احیا خواب دیده بود و خیلی عذاب وجدان می گیرد. از طریق مددکار قانون اصلاح تربیت اصرار می کند که من می خواهم خانم درویش را ببینم و اعتراف کنم. با این که مدارک همه علیه او بود، ما و هیچ متهم دیگری را تحت فشار نگذاشته و نخواهیم گذاشت. معمولاً آن ها را می فرستیم کانون اصلاح تربیت مادر همان زمان، بررسی می کنیم تا دلایل کافی را برای اقرار نهایی جمع آوری کنیم».

در اوقات فراغت دوست دارم خانه تکانی کنم

از او می پرسم که معمولاً در اوقات فراغت به چه کارهایی مشغول می شود که می گوید: «من هر روز صبح تا ساعت ۱۴ و نیم و بیشتر وقت ها تا ۱۶ اداره هستم. وقتی هم می رسم خانه، تا نماز بخوانم و ناهار بخورم و کمی استراحت کنم، باید مشغول آماده کردن شام شوم. مطالعه هم می کنم. اما برای اوقات فراغت، اگر زمان دست خودم باشد، دوست دارم خانه تکانی کنم. به مرتب بودن و تمیز بودن خانه حساس هستم و علاقه زیادی دارم که همیشه خانه ام مرتب باشد».

محدودیت زیاد و آزادی زیاد
هر دو اشتباه بزرگ است

به عنوان سوال آخر از او که سال هاست با اشتباهات و جرم های نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله روبه رو می شود، می خواهم چند توصیه به والدین داشته باشد که می گوید: «بیشتر پدر و مادرها وقتی بچه شان دستگیر می شود، شوکه می شوند و باورش نمی شود. وقتی هم حضوری می آیند، من می بینم یک خانواده خیلی موجه و باصالت هستند اما بچه شان مرتکب جرم شده است. مثلاً یک نوجوانی را اخیراً به جرم قتل گرفته بودیم، مادرش دکتر بود، پدرش استاد دانشگاه. او در کانون اصلاح و تربیت کنکور قبل شد و فقط به خاطر یک چشم تو چشم شدن در پمپ بنزین با مقتول که همسن و سالش بود، باعث قتل یک نوجوان دیگر می شود. یک نوجوان دیگر را هم به خاطر مواد گرفته بودند. پدرش می گفت خدا شاهد است خانم باز پرس که من تا حالا سیگار نکشیدم، چطور پسر مرا به خاطر مواد مخدر دستگیر کردند. من از سال ۸۳ تا ۹۳ که دادیار دادسرای نوجوانان بودم، با چنین نوجوانانی ارتباط داشتم. توصیه ام به خانواده های این است که اولاً محدودیت برای نوجوان زیاد نباشد، آزادی هم زیاد نباشد. هر دو اشتباه بزرگ است و محدودیت های زیاد باعث می شود که هر وقت بچه از آزادی برای شان فراهم شود، از خود بی خود شوند. توصیه بعدی این که، با بچه ها دوست باشند چون نداشتن ارتباط صمیمانه، قطعاً به آسیب اجتماعی و سپس جرم ختم خواهد شد. البته دوست شدن با آن ها قلی دارد و همه چیز پول نیست و راه روش دارد. بعضی والدین فکر می کنند همین که پول توجیبی بچه شان را زیاد کنند، مدرسه خوب برود و... کافی است. بچه های امروزی بیشتر از هر چیزی به یک همراه نیاز دارند تا لازم نباشد به دوست های ناباب یا فضای مجازی پناه ببرند. بر روی فعالیت هایش در شبکه های اجتماعی، فیلم هایی که می بیند، جاهایی که می رود، برنامه هایش برای اوقات فراغت و... نظارت نامحسوس داشته باشند. چند ماه پیش در کشیک، یک متهم یعنی دختر بچه ۱۲ ساله ای را آوردند که به خاطر سرقت گوشی دوست ۱۲ ساله اش را به قتل رسانده بود که عکس پرو فایل او یک خود کشی از دختر بچه ۵ ساله بود. گوشی اش پر از فیلم های جنایی و قتل بود. آیا نباید هیچ نظارتی بر روی این مسئله توسط والدینش می شد؟ کلاً نظارت و این که حواس والدین به فرزندشان باشد، بسیار مهم است».

متهم های جدید با دیدنم خوشحال می شوند اما قدیمی ها گریه می کنند

سپس با دوستش، یک پسر ۱۴ ساله را برده بودند پارک سرخ حصار و موتورش را گرفته بودند. او را به دلیل سرقت مسلحانه و مقرون به آزار در همان شب دستگیر کردند. سپس به کانون اصلاح و تربیت رفت. به نظر تان من می توانم به چنین افرادی فرصت آزادی بدهم؟ کسی که من ظهراً از دشواریم، ساعت ۱۰ شب با این جرم فجیع دوباره دستگیر شد، تا من را دید، گفت خانم درویش غلط کردم، خانم درویش اشتباه کردم، پشیمان هستم. من در چارچوب قانون عمل می کنم و گر نه الان متهم می آید، سابقه ندارد. مثلاً به خاطر مواد،



از او به عنوان تنها باز پرس زن کشور درباره واکنش متهم های نوجوان وقتی می بینند که یک خانم قرار است به پرونده شان رسیدگی کند، می پرسم که می گوید: «متهم هایی که جدید هستند، خوشحال می شوند اما متهم هایی که سابقه دارند و بیشتر من را می بینند می زنند زیر گریه. قبل از این که من اصلاً شروع کنم، می گویند: «ای وای، بازم خانم درویش؟ قطعاً ما می ریم زندان!» در صورتی که من در چارچوب قانون عمل می کنم اما متأسفانه آن ها این جور فکر می کنند». می پرسم یعنی سخت گیر نیستید که می گوید: «موضوع سخت گیری نیست. من همین الان پرونده سرقت مسلحانه با شمشیر توسط یک نوجوان را دارم که فیلم هایش موجود است. اقرار متهم هم هست. بعد از اقرار ستادم برای بازداشت اما سند گذاشته و در همان مدت که با قرار وثیقه آزاد بوده و هنوز پرونده به دادگاه ارسال نشده، یک جرم خیلی وحشتناک تر انجام داده است. پرونده دیگری داشتم که متهم تازه با سند خودروی پدرش از زندان بیرون آمده بود.

از سال ۹۵ باز پرس شدم

«درویشی» در ابتدای صحبت هایش می گوید: «سال ۹۵ ما سه تا باز پرس زن در کشور بودیم. اولی مان باز نشسته شد، دومی مان معاون دادستان شد و سومی که فعلاً من هستم تنها باز پرس خانم در کل کشورم. تهران یک دادسرای نوجوانان بیشتر ندارد که به کل جرایم متهمان ۱۵ تا ۱۸ ساله رسیدگی می شود اعم از قتل، سرقت های مسلحانه، جرایم رایانه ای و... به همه این ها در این دادسرا رسیدگی می شود و با وجود دو باز پرس آقا، قتل ها را من رسیدگی می کنم. دلایل هم نه این که به قتل و جنایت علاقه داشته باشم اما می خواهم انگیزه و دلایل وقوع جرم را کشف کنم. من از سال ۹۵ باز پرس شدم و الان ۸ سال است که انجام وظیفه می کنم».



خانواده ها با دیدن فیلم جنایت بچه شان، خجالت زده از اتاقم بیرون می روند

از او درباره واکنش خانواده ها وقتی دستور بازداشت یا به زندان فرستادن فرزند نوجوان شان را صادر می کند، می پرسم که می گوید: «معمولاً همه خانواده ها می گویند که بچه من را بی گناه فرستادی زندان. سپس صدایشان می کنم و دلایل از جمله فیلم یا عکس محل وقوع جرم را به آن ها نشان می دهم. مثلاً دیوئی محل وقوع جرم که فرزندشان در حال ارتکاب جرم است، نشان می دهم. می گویم حالاً نگاه کنید. بعدش می بینم که سرشان را پایین می اندازند و خجالت زده از اتاق من بیرون می روند».

ماجرای دختر ۱۶ ساله بی گناهی که به قتل اعتراف کرده بود

بوده است. بررسی کردیم، همه این ها در چاه بود و او را بازداشت کردیم. اما من به اعتراف او شک داشتم. از یک لحاظ تمام چیزهایی که داشت می گفت، درست بود اما یک دختر بچه چطور رفته بود که چاه که هم آب دیده، هم طناب؟ تحقیقات گسترده ای کردیم چون خودم احساس کردم که این دختر بچه بی گناه است و تحت تاثیر یک سری شرایط وادار شده که به این موضوع اعتراف کند. اداره آگاهی مرکز خیلی به ما کمک کردند تا متوجه شدیم که پسر خاله و دایی مقتول مواد فروش بودند. مقتول متوجه موضوع شده و تهدیدشان کرده و البته کمی هم ناقص العقل بوده و برای شان مزاحمت هم ایجاد کرده است. این ها هم او را زدند، سپس کشتند و انداختند داخل چاه و چون خودشان بردند ته چاه، دیده بودند که چه چیزهایی در آن جاست. سپس این دختر ۱۶ ساله را مجبور کرده بودند که زنگ بزند به ۱۱۰ و اعتراف کند که این آقا مزاحم من شده و هلس دادم داخل چاه. بعد از این بررسی ها آزادش کردیم هر چند خودش اقرار به قتل داشت اما بعد از این که ما دلایل کاملی مبنی بر متهم نبودنش پیدا کردیم، خودش هم قبول کرد که بی گناه است و آزاد شد».



در دوران دبیرستان عاشق رشته حقوق بودم

درویشی درباره ماجرای پرفراز و نشیبی که پشت سر گذاشته تا قاضی شود، می گوید: «من در دوران دبیرستان عاشق رشته حقوق و دانشگاه تهران بودم. سال ۷۵، رشته حقوق قبول شدم. بعد می خواستم و کالت بخوانم ولی پدرم گفتند که برای کالت باید بعد از ظهر ها هم بروم سر کار و... منصرف شدم و پدرم مشوق من برای قضاوت بود. سال ۷۸ لیسانس گرفتم و سال ۷۹ قضاوت قبول شدم. دو سال بعد یعنی سال ۸۱ دانشجوی قضاوت شدم و از سال ۸۲ شروع به قضاوت در دادسرا کردم. تا سال ۹۵ در شعب دادیاری مشغول به کار بودم و اسفند همان سال به عنوان باز پرس در دادسرای ویژه نوجوانان تهران شروع به کار کردم».